

تحول کاربری پیام شفاهی در کار تاریخ نگاری عصر شفاهیات، عصر داده شفاهی، عصر تاریخ شفاهی

غلامحسین نوعی

گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران

hossein.noee@gmail.com

دکتر امیر اکبری (نویسنده مسول)

گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران

amirakbari84@yahoo.com

دکتر حسین الهی

استاد گروه تاریخ، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۲۱ دوره ۱۹ شماره ۷۵ زمستان ۱۴۰۳ صفحه ۱۴۶-۱۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۱۷

چکیده

بروز و کاربری پیام شفاهی برای ثبت و ضبط تاریخ نگارانه را به نظر بتوان در سه مرحله دسته بندی کرد. مرحله نخست را می توان از پیش از اختراع نگارش در نظر گرفت تا قرن هجدهم م. که ما در اینجا از آن با عنوان «عصر شفاهیات» یاد می کنیم. مرحله دوم را می توان از قرن هجدهم م. به حساب آورد تا پایان جنگ جهانی دوم که در اینجا نام «عصر داده شفاهی» بر آن نهاده ایم. در نهایت هم می توان به مرحله سوم قایل بود که از دهه ۱۹۵۰م. به طور جدی آغاز شده و نام «عصر تاریخ شفاهی» را مناسب آن می دانیم. مهمترین شاخصه تمیز بخش این اعصار از هم در آنجاست که در عصر نخست شفاهیات، کسب منقولات و ثبت آنها را کار مورخ می دانسته اند. در عصر داده شفاهی، منقولات را گونه متمایزی از داده تاریخی شناختند که فراخوان و ثبت آنها فعالیتی تکمیلی برای مورخ شناخته می شد. در عصر تاریخ شفاهی که ما امروزه در آن قرار داریم نه تنها شفاهیات و منقولات را گونه متمایزی از داده ها می شناسند و هر روز در شناسایی خصایص متمایز برای آن در مقابل داده مکتوب بیشتر پیش می روند، بلکه از تئوری اختصاصی برای دانش نوینی با عنوان «تاریخ شفاهی» سخن می گویند. این نوشتار بر آن است که تحول از عصر شفاهیات به عصر داده شفاهی و سپس به عصر تاریخ شفاهی خود معلول گشایش های اجتماعی، حاکمیتی، شناختی و دست آخر فناورانه ای بوده که اینجا از خلال رهیافتی توصیفی-تحلیلی به ترسیم دو سویگی حاکم میان آنها و رشد تاریخ شفاهی پرداخته خواهد شد. واژه های کلیدی: تاریخ نگاری، تاریخ شفاهی، شفاهیات، تحول

۱- مقدمه

پوشیده نیست که تا پیش از اختراع ماشین چاپ بشر اساساً در یک دنیای شفاهی می زیسته که در آن شفاهیات قاعده و کتابت استثنا به شمار می آمده. بر این امر دلایل متعددی را موثر دانسته اند. از یک سو باید پیچیدگی های موجود در الفبا و زبان آموزی را مد نظر داشت که به ویژه در مورد صورت های نخستین تر نگارش مثل خط چینی یا هیروگلیف مصری به مراتب از نگارش های متاخرتر بیشتر بوده. از این واقعیت هم نباید غافل شد که نگارش و دانستن زبان از امتیازات طبقات روحانی و اشرافی جامعه بوده که آنها نیز با تمام توان در حفظ این امتیاز می کوشیده اند (نورایی، مرتضی و ابوالحسنی ترقی، مهدی، ۱۳۹۴، ص ۵۰-۵۱). اما غلبه شفاهیات را نمی توان تنها به این تبیین فنی و طبقاتی محدود دانست. واقعیت آن است که مبنای اعتقادی قوی نیز برای این رویه وجود داشت. در نزد بسیاری از ادیان باستانی کلام آسمانی و سنن دینی دارای آنگونه حرمتی بوده که نگارش آن بر اشیا و سطوح را منافی قداست آنها می پنداشته اند. نمونه های این باور را می توان در مکالمه ای از دینکرد زرتشتی مشاهده کرد که در آن موبدی در مقابل پرسش فردی مبنی بر آنکه «چرا سخن شفاهی بیشتر از سخن مکتوب اهمیت دارد؟» اینگونه جواب می دهد: «چون سخن شفاهی، سخنی زنده است.» مانند همین سنت را می توان نزد یهود هم مشاهده کرد که برای آنها شفاهیات گردآوری شده در تلمود با خود کتاب تورات از نظر ارزشمندی برابری می کند (همان، ص ۵۲-۵۳).

بر این مبنا در عصر شفاهیات، تاریخ نگاری ادامه شفاهیات است با مقداری مطالب افزوده از دیگر کتب تاریخ. حال اگر این ثبت شفاهیات صرفاً گزینش رویدادها، مکان وقوع، ترتیب و تاریخ وقوع آنها می بود که ثبت تاریخ نام «وقایع نگاری» می گرفت، اما اگر بر موارد پیشین تحلیل، ترسیم روابط علی و معلولی و درجه بندی رویدادها از نقطه نظر مورخ افزوده می شد آن وقت کار نام «تاریخ نگاری» به خود می گرفت (ملایی توانی، علیرضا، ۱۳۸۹، ص ۱۳۵). بر این اساس تقریباً می توان تمام متون تاریخی تا قبل از قرن هجدهم را مشمول این اصل دانست. در چین تحت حاکمیت سلسله ژو (۲۲۱-۱۱۲۲ ق.م.) می توان دید که دربار سلطنتی افرادی را مامور می کرده با گردش میان عموم

مردم اخبار را از آنها برای ثبت در سالشمارهای دولتی گردآوری کنند (موس، ویلیام و مازیکنانا، پیترا، ۱۹۸۶، ص ۱۳؛ ریچی، دونالد، ۲۰۰۳، ص ۱۹-۲۰).

در اسلام هم جایی در پایان قرن دوم هجری قمری به تدریج شفاهیات با محوریت اخبار و منقولات مربوط به حیات حضرت محمد (ص) که از خلال صحابه و تابعین برجا مانده بود شکل وقایع نگاری به خود می گیرند. بعدتر برای تحکیم این چارچوب علم رجال معرفی شد و افرادی چون محمد ابراهیم ایجی قرائت و سماع را به عنوان یکی از منابع چهارگانه حدیث به رسمیت شناختند (توکلی، فائزه، ۱۳۹۶، ص ۳۳ - ۳۴).

از سوی دیگر هردوت صراحتاً شیوه اش در گردآوری کتاب تاریخ خود را گفتگو با صاحبان اخبار می خواند (موس، ویلیام و مازیکنانا، پیترا، ۱۹۸۶، ص ۱۳). توسیدید در نگارش جنگ های پلوپونزی با حاضران میدان نبرد گفتگوهای متعدد انجام داده و البته از این مسئله هم شکایت داشته که چرا گزارش هر فرد با فرد دیگر در مورد یک رویداد واحد متمایز است (ریچی، دونالد، ۲۰۰۳، ص ۱۹-۲۰). ابوالفضل بیهقی هم در نگارش تاریخ مسعودی / تاریخ بیهقی در جای جای این اثر بارها اشاره کرده که یا خود دیگران را به گفتگو خوانده یا توسط دیگران به گفتگو فراخوانده شده یا شاهد گفتگوهای افرادی بوده که خبری از آنها را در کتاب خود نقل کرده (حسن آبادی، ابوالفضل، ۱۳۸۶، ص ۱۰). شاید لازم به ذکر نباشد که بر اساس تعریف بالا تاریخ هردوت، جنگ های پلوپونزی و تاریخ مسعودی هر سه در رده تاریخ نگاری دسته بندی می شوند.

امروزه در مورد شناسایی ماهیت کاریست شفاهیات از سوی وقایع نگاران و مورخان پیش از قرن بیستم اختلافاتی وجود دارد. برخی آن را تاریخ شفاهی می شمارند چون ته رنگ پژوهش به معنی داشتن هدف مشخص از گردآوری اطلاعات قابل اطلاق به تلاش آنها است؛ دغدغه های آنها گردآوری شفاهیات معطوف به ثبت رویدادهای تاریخی بوده (لومیس، ترور، ۱۳۸۵، ص ۸۰). از دیگر سو برخی هم نیز آنچه را که مورخان و وقایع نگاران ایرانی و غیر ایرانی در قرون میانه با جمع آوری داده های شفاهی به انجام رسانده اند را «تاریخ شفاهی ناآگاهانه» می خوانند (نورایی،

^۱ . Moss & Mazikana

^۲ . Ritchie

مرتضی و ابوالحسنی ترقی، مهدی ۱۳۹۴، ص ۲۴-۲۵). به نظر با توجه به ملاحظات و دسته‌بندی که تا اینجا مورد اشاره قرار دادیم بتوان دیگر این بحث و کلید واژه‌های سابق آن را بی مورد دانست.

۲: عصر داده شفاهی (از قرن هجدهم م. تا پایان جنگ جهانی دوم)

گذر از عصر شفاهیات به عصر داده شفاهی از نقطه نظر تاریخ نگاری از پی گشایش‌های چندی محقق شد. اول از همه باید اشاره داشت به جنبش رنسانس که در آن تاریخ‌نگاری با پژوهش‌های ادبایی چون لورنتسیو والا (۱۴۵۷-۱۴۰۷م)، فلاویو بیوندو (۱۴۶۳-۱۳۹۲م) و لئوناردو برونو (۱۴۴۴-۱۳۷۰م) شخصیتی جدید و انتقادی پیدا کرد و کاربست گونه‌های مختلف داده‌های باستان‌شناسی، سکه‌ها و تحلیل عصر به عصر زبان اسناد مورد توجه قرار گرفت (آقاجری، ۱۳۸۷، ص ۲۷). این پژوهش‌ها بیشتر حول تمایز گذاری بین عصر رنسانس به عنوان عصر سلطه خرد با عصر پیش از خود یعنی عصر بی خردی که عبارت «قرون وسطی» برای آن در همین برهه ضرب شد به انجام می‌رسید (بورکهارت، یاکوب، ۱۳۷۸، ص ۲۲۱). بنابراین می‌توان مشاهده کرد که تاریخی که پس از این دوره نگاشته می‌شود متأثر از دو گشایش است یکی گشایش اجتماعی به معنی اهمیت مضاعف برای انسان و سیر انسانی رویدادها در مقابل نگرش‌های الهی و دیگر گشایش شناختی به معنای حاکمیت یافتن اصل پژوهش و گونه‌شناسی استنادات. ما در میان اشغالگری‌های قرن شانزدهم اسپانیا در آمریکای مرکزی و جنوبی می‌بینیم که سالنامه نگاران اسپانیایی به ثبت و ضبط شفاهیات مردم آرتک و اینکا به منظور به دست آوردن تصویری از پیشینه تاریخی آنها دست می‌زنند. هنگامی که ساموئل جانسون به دنبال تدوین تاریخی برای آمریکا در سال ۱۷۷۱م. بود تاکید داشت باید نقطه نظر همه طرف‌های یک رویداد را برای ثبت یک روایت متعادل به دست آورد چرا که اساساً «تمام تاریخ در ابتدا شفاهی بوده». او می‌افزاید حتی تاریخ ولتر از شاهان فرانسه هم چیزی نیست جز شفاهیتی که او از درباریان، اشراف و آگاهان تاریخ فرانسه از طریق گفت و گو حاصل کرده (ریچی، دونالد، ۲۰۰۳، ص ۲۰). در همین امتداد شناسایی داده شفاهی بوده که ژول میشله برای کتاب تاریخ انقلاب فرانسه خود آگاهانه تاکید می‌ورزد بر گردآوری آنچه «زارعین، اهالی، سالخوردگان، زنان و حتی بچه‌ها...» در مورد رویداد به خاطر می‌آورند؛ چیزهایی که در صورت

یک مراجعه عصرگاهی به «مبخانه» محلی به دست خواهید آورد (همان). گفته شده در امتداد خودآگاهی میشله از تفاوت ماهیت این گونه از داده وی این گونه از داده تاریخی را «منابع زنده» می خوانده (نورایی، مرتضی و ابوالحسنی ترقی، مهدی، ۱۳۹۴، ص ۲۰). نمود دیگری از این گشایش اجتماعی و شناختی را می توان در پیامدهای جنبش رمانتیسیم تقریباً در همان روزگار میشله مشاهده کرد. تحت تاثیر گرایش های شهودی و ارزشی رمانتیسیم پژوهشگران زیادی به روستاها برای دسترسی به فرهنگ عامیانه و ادبیات عامیانه مراجعه می کردند (لومیس، ترور، ۱۳۸۵، ص ۸۰). پیروان رمانتیسیم به دنبال دستیابی به شناختی تاریخی و محلی بودند برای مقابله با مدعیات شناختی طبیعی و جهانشمول اهالی روشنگری.

۳: شفاهیات در قرن بیستم (گشایش اجتماعی، حاکمیتی، شناختی، فنی)

الف: قبل از جنگ دوم جهانی

در حالی که به نظر داده شفاهی جای خود را در پژوهش های مورخین باز کرده بود گشایش شناختی دیگری، که در تاریخ علم با عنوان پوزیتیویسم شناخته می شود، بر همه حوزه های شناخت بشری سایه افکند. در این بین تلاش های لئوپلد فن رانکه (۱۸۸۶-۱۷۹۵م). برای تنظیم چارچوب جهت مطالعه تاریخی، کاربرست داده های عینی تر و کنار زدن داده های سست و مشکوک برای رشته تاریخ به جهت ارتقای شخصیت دانشگاهی آن را به عنوان دوران گذر از تاریخ ادبی به تاریخ دانشگاهی / علمی می شناسند (ریچی، دونالد، ۲۰۰۳، ص ۲۱). علی رغم ابعاد عمیق هستی شناسانه و شناخت شناسانه اندیشه های رانکه، این تلاش ها از طرف پاره ای از پیروان رانکه به ویژه در فرانسه و انگلستان همان پوشانیدن لباس پوزیتیویسم بر تن تاریخ نگاری فهم شد. بر مبنای همین فهم اخیر مورخان برای مدت ها کاربرست داده های شفاهی در مطالعه تاریخ را از میان مراجع استنادی خود بیرون گذاشتند.

جالب آنکه در همین مقطع وانهادن داده شفاهی از طرف مورخان گشایش های چندی در حوزه های مختلف در حال بروز بود که بسیاری را به صرافت جستجوی داده شفاهی انداخت. از یک سمت

۲. توماس بابینگتون مکاولای (۱۸۵۹-۱۸۰۰م)، جان دالبرگ آکتون (۱۹۰۲-۱۸۳۴م)، جی. بی. بوری (۱۹۲۷-۱۸۶۱م) و شارل سینوبوس (۱۹۴۲-۱۸۵۴م)

همان گشایش اجتماعی پیش گفته در کار بود و اهمیت یافتن مردم در جریان تاریخ. اچ. اچ. بنکرافت، ناشر و روزنامه نگار آمریکایی، ملهم از سنت توجه به گزارشات شاهدان عینی میان روزنامه نگاران آمریکایی، نواحی بسیاری را در غرب آمریکا زیرپا گذاشت تا با جمع کردن «قصه‌های قدیمی‌ها» شمایی از شکل‌گیری سرزمین‌های غرب ایالات متحده را به دست آورده و ترسیم نماید (موس، ویلیام و مازیکانا، پیتز، ۱۹۸۶، ص ۱۵-۱۶). از دیگر سو ترکیبی از گشایش‌های حاکمیتی، اجتماعی و فنی در پایان قرن نوزدهم مردم شناسان و قوم‌شناسان را تا حد زیادی برای پژوهش‌های خود منتفع ساخت. از یک طرف ویلیام موس گردآوری شفاهیات و داده‌های شفاهی را رویه‌ای دانسته که به طور سنتی مورد حمایت دولت ایالات متحده بوده (همان). بالاتر هم ما به گشایش‌های اجتماعی که حضور مردم را در تاریخ موجه می‌ساخت اشاره کردیم. وقتی این گشایش‌ها با اختراع دستگاه‌های ضبط صدا بر روی سیلندرها مومی توانان شد نتیجه دلخواه برای پژوهشگران انسان‌شناسی و قوم‌شناسی حاصل گردید. با این تحول فنی ثبت شفاهیات اقوامی که خط و نگارش نداشتند بسیار ساده‌تر شد، کاری که تا پیش از آن باید به صورت دست نویس و با زحمت فراوان انجام می‌شد (لومیس، ترور، ۱۳۸۵، ص ۸۰). نمونه بارز هم‌نشینی گشایش‌های فنی و حاکمیتی را می‌توان در قالب دفتر قوم‌شناسی ایالات متحده مشاهده کرد که در دهه ۱۸۹۰م. پژوهشگران را برای ثبت شفاهیات سرخپوستان آمریکا با تجهیزات جدید به میان آن جمعیت‌ها می‌فرستاد (ریچی، دونالد، ۲۰۰۳، ص ۲۱). بر همین مبنا تا قبل از جنگ جهانی دوم گفتگو به یکی از ابزارهای روشی انسان‌شناسی، قوم‌شناسی و جامعه‌شناسی تبدیل شد. مثلاً در اروپا تی. فیشر، آن وین و جین کابدن در روزنامه‌ها آگهی می‌دادند و از افرادی که تجربه‌های تلخی از سیاست خاص دولت داشتند، مثل مصادره اراضی بدون پرداخت بهای آن، دعوت می‌کردند تا اطلاعات خود را به صورت شفاهی یا کتبی ارائه دهند (نیک نفس، شفیقه، ۱۳۸۳، ص ۴). به همین ترتیب از پی رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰م. در ایالات متحده دولت فدرال به عنوان کمک معیشتی در قالب طرحی با عنوان مدیریت پیشرفت کاری تا ۶۰۰۰ نویسنده بیکار شده را برای گردآوری گفتگو از سفید پوستان فقیر و بی بضاعت و سیاه پوستانی که تجربه بردگی داشتند به ویژه در نواحی جنوبی آمریکا استخدام کرد. خروجی این برنامه ۱۰۰۰۰ برگه گفتگو بود که امروزه در آرشیو ملی آمریکا در واشنگتن نگه

داری می‌شود (ریچی، دونالد، ۲۰۰۳، ص ۲۱؛ آبرامز، لین، ۲۰۱۰، ص ۴؛ موس، ویلیام و مازیکانا، پیتز، ۱۹۸۶، ص ۱۵-۱۶). آنچه به این گشایش حاکمیتی برای داده‌های شفاهی مهر قطعیت زد فراخوان سراسری فرانکلین روزولت، رئیس جمهور آمریکا (۱۹۴۵-۱۸۸۲م)، بود. او همه نظامیان و غیر نظامیان متأثر از جنگ جهانی دوم را دعوت کرد تا تجربیات زمان جنگ خود را مکتوب سازند. در ادامه همین طرح واحدی به همین منظور در ارتش آمریکا تشکیل شد به سرپرستی سرهنگ اس.ال.آ. مارشال، کهنه سرباز جنگ جهانی اول و روزنامه نگار مورخ شده، که نیروهای خود را به همراه دستگاه سنگین ضبط صدا به خطوط نبرد می‌فرستاد (ریچی، دونالد، ۲۰۰۳، ص ۲۱). چنان که مشهود است از مجموعه گشایش‌های اجتماعی، حاکمیتی و فنی که منجر به رونق داده شفاهی شد در حد فاصل دهه‌های پایانی قرن نوزدهم تا پایان جنگ جهانی دوم این مردم شناسان، قوم شناسان و روزنامه‌نگاران بودند که بیشترین بهره را کسب کردند. این در حالی بود که مورخان، برهه زمانی فوق را مشغول بحث‌های شناختی جدی بودند که می‌توان گفت خروجی آنها به طور غیرمستقیم عرصه را برای ورود به عصر تاریخ شفاهی هموار ساخت. به طور خیلی خلاصه موضع‌گیری‌هایی علیه تاریخ سیاسی، نخبه‌گرا و سند محوری که از لئوپلد رانکه به این سو از طرف به ویژه پیروان فرانسوی و انگلیسی او رواج داده شده بود شکل گرفت. کارل لامپرشت ضرورت پرداختن به موضوعات اجتماعی را به میان کشید. مدعای او در دو دهه نخست قرن بیستم به عنوان مناقشه لامپرشت در محافل دانشگاهی اروپا و آمریکا جریان داشت (برک، پیتز، ۱۳۹۳، ص ۱۸). از سوی دیگر آثار فوستل دوکلانژ و هانری بر به نوبه خود برای مورخان جوان و مستعدی چون مارک بلوخ و لوسین فور الهام بخش بود تا تاریخی مبتنی بر مقوله‌های جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را با اتکا به دامنه‌ای گسترده‌ای از داده‌های غیرسندی عرضه دارند (برودل، فرنان، ۱۳۷۲، ۲۶ و ۲۷). با این تحولات می‌توان گفت سنت لازم در تاریخ نگاری هم برای استقبال از تاریخ شفاهی فراهم شد هر چند که در این عرصه باز هم ابتکار عمل با یک روزنامه نگار مورخ شده به نام آلن نوینس بود.

۴. Abrams

ب: بعد از جنگ دوم جهانی (گشایش فنی، شناختی، اجتماعی، حاکمیتی)

از نقطه نظر تاریخ نگاری مجموعه تحولاتی که از جنگ جهانی دوم به این سو به وقوع پیوسته را می‌توان شایسته نام «عصر تاریخ شفاهی» دانست. چنان‌که لیندا شوپس به درستی اشاره کرده هر آنچه تا پیش از این تاریخ به قصد «تاریخ شفاهی» انجام شده بود با توجه به ثبت و ضبط دست نویس شفاهیات در نبود دستگاه‌های ضبط صدا و تصویر و معطوف به آرشیو نبودن بسیاری طرح‌های انجام شده را تنها از روی تساهل می‌توان «تاریخ شفاهی» نامید (شاپز، ۵، لیندا، ۲۰۲۰، ص ۲). اینجا مجموعه گشایش‌های منجر به این تحول را با موارد فنی آغاز می‌کنیم و با موارد شناختی، اجتماعی و حاکمیتی تکمیل خواهیم نمود. این ترتیب به طور ضمنی بیانگر اهمیت هر یک از گشایش‌های مورد نظر نیز هست، اما نه به طور موکد.

به لحاظ فنی سیلندرهای مومی ضبط صدای انسان شناسان یا دستگاه‌های سنگین ضبط صدا در ارتش آمریکا تحولات مهمی بودند اما گرانیگاه تحول را باید در هم نشینی انقلاب ارتباطات و انقلاب فناوری جستجو کرد. آنچه از نقطه نظر فنی عصر تاریخ شفاهی را موجب شده تنها اختراع دستگاه‌های بهینه و اقتصادی ضبط صدا نبود بلکه هم نشینی این رویداد است با رواج تلفن، رادیو و تلویزیون به عنوان پیشگامان عصر ارتباطات هم باید در نظر گرفته شود. با رواج ابزارهای ارتباطی که سهولت بیشتری را برای ارسال و دریافت پیام فراهم می‌آوردند انسان‌ها کمتر به نوشتن می‌پردازند و اساساً وقت کمتری هم برای فکر کردن و نوشتن دارند (حسن‌آبادی، ابوالفضل، ۱۳۸۵، ص ۲۱). به این ترتیب برخی گونه‌های داده تاریخی مثل یادداشت‌های شخصی و عمومی و نامه نگاری‌های شخصی و رسمی که قبل تر مفید به کار مورخ بوده اند رنگ می‌بازند (موس، ویلیام و مازیکانا، پیتر، ۱۹۸۶، ص ۱۴-۱۵). به این ترتیب می‌توان گفت انسان شفاهی یک بار دیگر پس از هزاره‌ها متولد می‌شود اما این بار با ماهیتی متفاوت. در این بین فعالیت روزنامه نگار مورخ شده آلن نوینس واجد اهمیتی چشمگیر است. او هنگامی که روی زندگی نامه رییس جمهور گروور کلیولند کار می‌کرد متوجه شد به واسطه استاندارد سازی نامه نگاری سازمانی و رواج ارتباط تلفنی دیگر خبری از مکتوبات و مراسلات مفصل نیست بنابراین برای جبران کمبود داده‌های مکتوب به سراغ اطرافیان

رییس جمهور رفت تا از خلال مصاحبه‌ها با آنها داده‌های مورد نیاز خود را تامین کند(شاپز، لیندا، ۲۰۲۰، ص ۳). پس از این اولین گام او به طور مرتب با ضبط صوت به سراغ چهره‌های برجسته در سیاست و اقتصاد ایالات متحده می‌رفت برای ضبط گفته‌های آنان(آبرامز، لین، ۲۰۱۰، ص ۴). از دیگر سو در همان برهه استاد ترکل از ۱۹۵۲ برنامه رادیویی را در شیکاگو روی آنتن می‌برد که به مدت ۴۰ سال تداوم می‌یابد و تمرکز آن مصاحبه معطوف به رویدادهای تاریخی با چهره‌ها است(همان).

قبل‌تر اشاره شد که از جهت شناختی هم گرایش به سمت تاریخ اجتماعی و ظهور مکتب تاریخ‌نگاری چون آنال می‌توانست مجوزهایی برای اعطای ارزش استنادی به داده‌های شفاهی مردم عادی فراهم کرده باشد. این روند شناختی با تحولاتی که اهل فن آنها را «چرخش ذهنی/ حافظه‌ای»^۶ و «چرخش زبانی»^۷ می‌نامند در مسیری کاملاً متفاوت افتاد و شدت بسیار بیشتری به خود گرفت. ظهور فمینیسم، جنبش‌های ضد استعماری، تجربه هولوکاست و تجربه زیستن در اروپای شرقی کمونیست^۸ «روان زخم»هایی ایجاد کرد که برخی برای بررسی آنها به سمت مطالعه حافظه رفتند. در این تلاش البته اندیشه‌های پدیدار شناسانه هنری برگسون و پل ریکور هم برای مطالعات تجربه زیسته به کار گرفته شد و با این تفاسیر، شفاهیات از هر کس، با هر کیفیت، فارغ از کذب یا صحت و در ذهنی ترین صورت ممکن‌شان به مرکز توجه آمدند(هامیلتون، پالا و شاپز، لیندا، ۲۰۰۸، ص ۴۹). به تدریج گروه‌های از مورخان که متأثر از چرخش زبانی، فرهنگ‌های را پیکره‌های لبالب از نشانه‌ها دانسته و زبان را تنها مسیر رمزگشایی از آن نشانه‌ها شناختند از دهه ۱۹۸۰م. به میدان آمدند و با زیر سوال بردن معیارهای مرسوم اعتبارسنجی تاریخ‌نگاری، پذیرش ذهنیت خود ارجاع، ارج نهادن به شفاهیات، سیالیت و آنی بودن حافظه و شناسایی مورخ به عنوان مفسری شهودی و تحلیل پرداز شخصیت جدیدی به شفاهیات دادند. گفته می‌شود این طرح نو به طور مشخص با اثری از لوتیزا پاسرینی با عنوان کار، ایدئولوژی و همگرایی در ایتالیای فاشیستی آغاز شده. در این اثر

^۶ . Memory Turn

^۷ . Language Turn

^۸ . تاکید بر هولوکاست و وحشت زیستن در اروپای شرقی توسط صاحب ارجاع طبیعتاً از اثر گذاری سنت غالب پژوهشی در غرب که به این پدیده‌ها چون واقعیت‌هایی غیر قابل تردید نگاه می‌کند، عاری نبوده.

^۹ . Hamilton and Shopes

تاکید شده تنها عینیت برای داده شفاهی مطرح نیست بلکه داده شفاهی بازتاب و بیان فرهنگ جامعه مبدا آن است و در بررسی این جنس از داده باید حافظه و ایدئولوژی و آگاهی در اولویت باشند (آبرامز، لین، ۲۰۱۰، ص ۶-۷)؛ اساساً تاریخ شفاهی فعالیتی تعاملی دانسته شد که انجام هر مصاحبه در آن از خلال رقابت مصاحبه کننده و مصاحبه شونده در ترسیم گذشته، پنجره‌های جدیدی را به سوی تاریخ می‌گشاید (شاپز، لیندا، ۲۰۲۰، ص ۴). مجموعه گرایش اجتماعی تر تاریخ نگاری متعارف و «چرخش حافظه‌ای» و «چرخش زبانی» هر چند به ماهیت‌های مختلفی برای تاریخ شفاهی راه می‌دهند، که ما در فصل بعد مفصل به آن‌ها خواهیم پرداخت، اما به هر روی خروجی مشترک این هر سه تحول شناختی اقبال و مشروعیت گسترده برای داده شفاهی در حد پیدایش عصری از تاریخ شفاهی بوده است.

در عین تحولات فنی و شناختی بالا گشایش‌های اجتماعی هم همچنان در جهت رواج عصر تاریخ شفاهی در کار بودند. چنان که پل تامپسون به ظرافت و دقت تمام اشاره دارد «هر تاریخی دارای هدفی اجتماعی» است. بر همین اساس است که ما در مدارس و برای کودکان و نوجوانان تاریخ تدریس می‌کنیم و دولت‌های ما از مطالعات تاریخی پشتیبانی به عمل می‌آوردند، و باز به همین دلیل است که تاریخ مردم، تاریخ محلی یا تاریخ خانوادگی برای ما انگیزه بخش است و «جایی که هیچ تاریخی نباشد ما [تاریخی] خلق می‌کنیم» (تامسون، پال ۱۰، ۱۹۹۸، ص ۲۱). حال با توجه به این واقعیت وقتی در نظر بگیریم تاریخ شفاهی مدام عرصه‌های جدیدی را می‌گشاید، موانع ارتباطی نسل‌ها و افراد را فرو می‌ریزد، تجربه مردم را به متن تاریخ باز می‌گرداند (همان، ص ۲۲) آن موقع بر ما روشن می‌شود که در جهانی که گشایش‌های اجتماعی روز به روز اجازه بروز هویت‌های گروهی و جمعی جدیدی را می‌دهد تاریخ شفاهی چه جایگاهی خواهد داشت. کمتر پژوهشگر تاریخ شفاهی را می‌توان یافت که انقلاب‌های سیاسی و اقتصادی نیمه دوم قرن بیستم و مشارکت بیش از پیش توده‌ها در تحولات اجتماعی را یکی از عوامل ظهور عصر تاریخ شفاهی نداند (موس، ویلیام و مازیکانا، پیتز، ۱۹۸۶، ص ۱۴-۱۵). یا موافق نباشد که تاریخ شفاهی در یک کلام به دمکراتیک تر شدن تاریخ انجامیده (تامسون، پال، ۱۹۹۸، ص ۲۶). گشایش اجتماعی به عنوان پس

^{۱۰} . Thompson

زمینه عصر تاریخ شفاهی تا آنجا مورد توجه بوده که همزمان و حتی پیش از بروز دغدغه در مورد «چرخش زبانی» و «چرخش حافظه»، این مجادله میان اعتقاد به تاریخ شفاهی برای عموم یا اعتقاد به تاریخ شفاهی برای نخبگان بود که به خط ممیزی بین دو گونه تاریخ شفاهی تبدیل شد. برخی تاریخ شفاهی عموم و تاریخ شفاهی نخبگان را دو چهره تاریخ شفاهی دانستند که نمود اولی را باید برنامه مدیریت پیشرفت کاری دهه ۱۹۳۰ در ایالات متحده دانست و نمود دومی مصاحبه‌های آلن نوینس (آبرامز، لین، ۲۰۱۰، ص ۴). برخی هم منشا دو چهره تاریخ شفاهی را در دو سوی اقیانوس اطلس شناسایی کرده اند. به این ترتیب تاریخ شفاهی نخبگان سنتی آمریکایی است به سرکردگی آن نوینس و تاریخ شفاهی عموم سنتی اروپا است. هواداران تاریخ شفاهی عموم حتی یک نظریه تاریخ شفاهی برای رویه خود عرضه کرده‌اند که بر اساس آن تاریخ شفاهی یک ابزار بازیابی تاریخ نیست، بلکه یک تئوری است برای تدوین تاریخ مردم عادی و مصاحبه با نخبگان هم هدر دادن وقت و توان است (موس، ویلیام و مازیکانا، پیتر، ۱۹۸۶، ص ۱۷). البته نباید این مرزها را خط‌کشی شده تلقی کرد، بر همین مبنا استاد ترکل در کنار برنامه رادیویی خود در شیکاگو به هر دو سوی منازعه اهمیت داد و نوشتن کتاب‌هایی در مورد رکود، جنگ جهانی، زندگی کاری و روابط نژادی در گفتگو با مردم عادی پرداخت (آبرامز، لین، ۲۰۱۰، ص ۴). در انگلستان هم رونالد بلیث اولین کتاب تاریخ شفاهی عموم را با عنوان آکنفیلد از خلال گفتگو با کشاورزان روستاهای شرق انگلستان در سال ۱۹۶۹ تدوین و منتشر کرد (همان).

ورود جدی دولت‌ها به مقوله تاریخ شفاهی دیگر گشایشی است که ما را مجاز به کاربست عبارت عصر تاریخ شفاهی برای روزگار پس از جنگ جهانی دوم می‌نماید. در سنگاپور دفتر تاریخ شفاهی از سال ۱۹۷۹ در وزارت فرهنگ آن کشور مستقر شد و طرح مطالعاتی را بر مبنای پیشینه مستعمراتی کشور، مبارزات ضد استعمار و پیشرفت سنگاپور طراحی و به اجرا گذاشته که هنوز هم در جریان است. بر این مبنا سه طرح تاریخ شفاهی با عنوان‌های تحولات سیاسی سنگاپور ۱۹۴۵-۶۵، تحولات سیاسی سنگاپور ۱۹۶۵-۷۵ و پیشگامان سنگاپور به اجرا درآمده‌اند که جمعیت مصاحبه شونده‌ها در آن عمدتاً متشکل از مبارزان سیاسی و صاحب منصبان بازنشسته یا در حال خدمت بوده است. با بهره‌گیری از داده‌ای شفاهی حاصل از همین طرح‌ها یک نمایشگاه ملی تاریخ معاصر سنگاپور با عنوان ۲۵ سال ملت سازی ۱۹۵۹-۱۹۸۴ در سال ۱۹۸۴ و نمایشگاه دیگری هم با عنوان داستان

سنگاپور؛ پیروزی بر مصائب در ۱۹۹۸ به اجرا درآمده‌اند (بلک‌برن ۱۱، ۲۰۰۸، ص ۳۸، ۴۱-۴۲). در ایالات متحده نیز اولین طرح‌های تاریخ شفاهی دولتی در ارتباط با جنگ کلید خوردند. ابتدا طرحی در مورد خلبانان آفریقایی-آمریکایی جنگ جهانی دوم در ۱۹۸۸ مورد تصویب کنگره قرار گرفت. سپس در سال ۱۹۹۰ طرح جامع‌تری برای اجرای تاریخ شفاهی کهنه سربازان آمریکایی از جنگ ویتنام تا جنگ خلیج فارس به پشتوانه مصوبه کنگره به اجرا گذاشته شد. این فرایند در سطح دولت‌های محلی هم به تمامی رواج پیدا کرده و تثبیت شده. مدیریت حمل و نقل عمومی شهر نیویورک یا اداره منابع طبیعی ایالت مینه سوتا هم طرح‌های شفاهی خود را به اجرا گذاشته‌اند. خارج از ایالات متحده هم می‌توان دید شورای شهرهایی چون سیدنی استرالیا و ساوتهمپتون انگلیس نیز برنامه‌های تاریخ شفاهی را برای محدوده محلی خود تصویب و به لحاظ مالی تامین می‌نمایند (ریچی، دونالد، ۲۰۰۳، ص ۴۲). تردیدی نیست که بنا به گفته تامپسون همه این تاریخ‌ها نیز از انگیزه‌های اجتماعی نیرو می‌گیرند و با هدف تاثیرگذاری بر «حافظه جمعی» تامین می‌شوند. عامل دیگری هم که می‌توان برای ورود گسترده بخش دولتی در نظر گرفتن گره خوردن ارزش کار تاریخ شفاهی از جنبه تجربه نگارانه آن با رشته مدیریت است. بیشتر متولیان امور عمومی کم و بیش با شاخه‌های مختلف رشته مدیریت پیوند دارند. به این واسطه وقتی در رشته مدیریت به تاریخ شفاهی چنان منبع دروس و تجارب، شناسایی آثار گذشته بر روندهای حاضر و حفظ دانش‌های ارزشمند حاصل از تجربه نگاه می‌شود (تاپینگ، شارون، ۱۳۹۵، ص ۴۳). این نوع نگاه جای تاریخ شفاهی را در دواير دولتی مستحکم می‌نماید. اما گشایش‌های حاکمیتی مفید به حال تاریخ شفاهی هم افق‌های جدیدی را پیش روی این حوزه مطالعاتی قرار می‌دهند که هنوز برای ارزیابی نتایج آنها کمی زود است. دفتر مطالعات و اگذاری اراضی نیومکزیکو در ایالات متحده برای حمایت از مالکیت بومیانی که برای مدعیات خود اسناد در شکل سنتی آن در اختیار نداشتند به طرح‌های تاریخ شفاهی متوسل شد و خروجی این طرح‌ها را نیز به عنوان مدرک حقوقی برای ارایه به دادگاه به کار گرفت (ریچی، دونالد، ۲۰۰۳، ص ۴۴).

^{۱۱} . Blackburn

گشایش‌های فنی، شناختی، اجتماعی و حاکمیتی که به شکلی در هم تنیده از جنگ جهانی دوم به این سو در کار بوده اند به فوران تاریخ شفاهی منجر شده‌اند و این رویداد با واکنش‌های مختلفی مواجه بوده. آلن نوینس در سال ۱۹۴۸ اولین آرشیو امروزی تاریخ شفاهی را در دانشگاه کلمبیا شهر نیویورک راه‌اندازی کرد (ریچی، دونالد، ۲۰۰۳، ص ۲۱). سپس دانشگاه برکلی کالیفرنیا در ۱۹۵۴، دانشگاه یو.سی.ال.آ در ۱۹۵۸ و کتابخانه هری. اس. ترومن در ۱۹۶۰ بخش‌های تاریخ شفاهی خود را راه‌اندازی کردند (همان، ص ۲۲). به این ترتیب دهه ۱۹۵۰، دهه آغاز تاریخ شفاهی دانشگاهی در ایالات متحده با موضوعات و اهداف متفاوت شد (موس و مازیکانا، ۱۹۸۶، ص ۱۶). به همین ترتیب انجمن‌های تاریخ شفاهی آمریکا در ۱۹۶۷، انگلستان در ۱۹۷۳ و استرالیا در ۱۹۷۴ تاسیس شدند؛ تا سال ۱۹۷۱ تنها در ایالات متحده با ۲۳۰۰۰ نفر بالغ بر ۵۲۰۰۰ ساعت مصاحبه انجام گرفته بود که پیاده‌سازی آنها ۱.۴ میلیون برگه را پر می‌کرد (کرافورد، چارلز، ۱۹۷۴، ص ۲). همچنین در حالی که در ۱۹۷۰ مجموعاً ۳۰۰ طرح تاریخ شفاهی در آمریکا در جریان بود این رقم برای سال ۱۹۸۰ به بیش از ۱۰۰۰ طرح بزرگ و کوچک رسیده بود (موس، ویلیام و مازیکانا، پیتز، ۱۹۸۶، ص ۱۷). انجمن تاریخ شفاهی آمریکا در دهه ۱۹۷۰ می‌کوشید اقبال فزاینده نسبت به تاریخ شفاهی را از نظر داده به وسیله همکاری با شرکت میکروفیلم آمریکا ۱۲ جهت انتشار نسخه‌های پیاده شده مصاحبه‌ها و از نظر روشی با انتشار آثار روش شناسانه‌ای از ویلیام باوم و ویلیام موس مدیریت کند (کرافورد، ۱۹۷۴، ص ۵)، اما ماهیت سیال و عالمگیر تاریخ شفاهی خیلی زود از حجم این کوشش‌ها بسیار فراتر رفت.

البته سرعت رشد اعتماد به تاریخ شفاهی با سرعت رشد طرح‌ها و انجمن‌های آن همخوانی نداشته و ندارد. در دهه ۱۹۸۰ در سراسر جهان تنها ۸ موسسه میانگین ۵ تا ۹ کارمند دائم برای طرح‌های تاریخ شفاهی خود در استخدام داشتند، تنها دو مورد از آن موسسات بیش از ۱۵ کارمند دائم در استخدام داشتند و حتی در خود دانشگاه کلمبیا که زادگاه تاریخ شفاهی دانشگاهی بود تمام ۴۰ تا ۵۰ کارمند آرشیو تاریخ شفاهی به صورت پاره وقت فعالیت می‌کردند. تاریخ شفاهی در آن برهه هنوز به زحمت ۱٪ از منابع و مراجعات بزرگترین آرشیوهای ملی را به خود اختصاص می‌داد (همان،

ص ۸۰). امروزه شاید بتوان گفت این تناسب بین رواج تاریخ شفاهی و رسمیت آن بهبود پیدا کرده اما هنوز تا رسیدن این دو شاخص به برابری راه زیادی وجود دارد. موضع گیری هایی که نسبت به تاریخ شفاهی صورت گرفته در سرعت اعتماد به آن و رسمیت یافتنش تاثیر جدی داشته. برخی تاریخ شفاهی را «توصیف از پایین» دانسته اند که راه می افتد و در مورد «چیزها» همین طور توضیح می دهد (پرتلی، الساندرو^{۱۳}، ۱۹۹۸، ص ۶۳-۶۴). دیگرانی تاریخ شفاهی را فرزند بی انضباط و شورشی و بی مسئولیت تاریخ اسنادی خوانده اند (موس، ویلیام و مازیکانا، پیتز، ۱۹۸۶، ص ۲). برخی هم آن را به بی دقتی و بیش از حد فرویدی بودن متهم کرده اند (ریچی، دونالد، ۲۰۰۳، ص ۲۱). این موضع گیری ها از واقعیت هایی چند ناشی می شوند. سادگی شیوه و در دسترس بودن ابزار (موس، ویلیام و مازیکانا، پیتز، ۱۹۸۶، ص ۷۱-۷۲) باعث شده حجم سهمگینی شفاهیات گردآوری و آثار بسیار زیادی به انتشار برسند که در حقیقت در اغلب موارد نه «تاریخی» اند و نه «شفاهی» به این ترتیب واژه «تاریخ شفاهی» به واژه ای عام و نه اختصاصی تبدیل شده که به گفته ویلیام موس در «مالکیت عمومی» قرار دارد (همان). بر همین مبنا بسیاری از مورخان از این حوزه کناره می گیرند در حالی که روزنامه نگاران، مجریان رادیویی و تلویزیونی، متخصصان سالخورده شناسی^{۱۴}، بازرسان حقوقی و حتی بچه های دوره ابتدایی همچنان به کار خود در گردآوری شفاهیات مشغولند (همان، ص ۲۳). امروزه به مصاحبه با سالخوردگان دلسرد، آموزش مبانی شناخت شناسی و جستجوی حقیقت به بچه های ابتدایی، ثبت ادبیات عامیانه و مهارت های سنتی رو به فراموشی، فیلم های سینمایی، مستندهای تلویزیونی و بسیاری کاربردهای دیگر که به خیال مورخان هم نرسیده بدون عذاب وجدان عنوان «تاریخ شفاهی» اطلاق می شود (همان، ص ۷۱-۷۲). برخی حتی از ضرورت تحول در سازوکارهای ذهنی که بشر چندین هزاره به آن عادت کرده سخن می گویند. بر این اساس در جایی که تصویر متحرک برای ثبت تاریخ فراهم شده به نگارش به عنوان تنها رسانه بشری برای تاریخ نگاری دو رسانه جدید صدا و تصویر هم افزوده شده؛ این به معنای گذر از درکی یک بعدی به درکی چند بعدی است. این موضوع هم به لحاظ سندیت کار تاریخی پیامدهای جدی دارد و هم

^{۱۳}. Portelli

^{۱۴}. Gerontologists

از جهت درک و تفسیر مدارک تاریخی چه از سمت مورخان و چه از سمت مخاطبان (سیپ، دن، ۱۹۹۱، ص ۷۷-۷۹).

شفاهیات در کشور ما ریشه‌های بسیار سترونی دارد که هم در ادبیات ملی ما در نمونه‌ای چون شاهنامه خود را به رخ می‌کشد و هم در ادبیات مذهبی ما در قالب روایات و احادیث پرشمار (نیک‌نفس، شفیقه، ۱۳۸۳، ص ۴). با این حال از جهت مواجهه با «عصر تاریخ شفاهی» ما تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی تقریباً هیچ نمونه کاری که گرته تاریخ شفاهی بر آن باشد را شاهد نیستیم. شاید کوشش‌های مجله ادبی وحید در تشویق چهره‌های فرهنگی و شخصیت‌ها به نوشتن و انتشار خاطراتشان از طریق آن رسانه را بتوان از معدود نمونه‌ها دانست (همان، ص ۶). از سال ۱۳۵۷ به این سو ما با پدیده‌هایی چون انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی مواجه بوده ایم که موجبات توجه به مبحث تاریخ شفاهی را فراهم آوردند. اما ابراز توجه به تاریخ شفاهی طی چهار دهه اخیر در کشورمان به معنای ایجاد گشایش برای تاریخ شفاهی نبوده. متخصصان امر عوامل مختلفی را برای این عدم گشایش برشمرده‌اند. اول این که جایگاه تاریخ شفاهی در ایران روشن نیست به این معنی که «الف) عدم ارتباط مراکز با یکدیگر، ب) کمبود منابع تاریخ شفاهی، ج) کمبود نیروی متخصص، د) کمبود تجهیزات، ه) عدم شناسایی آن توسط مراکز پژوهشی و جامعه» باعث شده تاریخ شفاهی نه جزوی از جامعه ما که شی در جوار آن باشد. دوم این که ما سیاست روشنی در قبال تاریخ شفاهی نداریم به این معنی که به لحاظ مبانی جمع‌آوری و شیوه تحلیل داده‌های شفاهی هیچ برنامه مشخصی نداریم (حسن‌آبادی، ابوالفضل، ۱۳۸۵، ص ۱۱). سوم این که تاریخ شفاهی حتی در نزد بسیاری از چهره‌ها و جوامع دانشگاهی ما نیز ناشناخته و غریبه است (آذری‌خاکستر، غلامرضا، ۱۳۹۱، ص ۶۹). نهادهای متولی مثل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و بنیاد ایرانشناسی همگی در این زمینه منفعل باقی مانده اند و کار به یک سری آثار مناسبتی مربوط به انقلاب اسلامی یا جنگ تحمیلی محدود مانده (حسن‌آبادی، ابوالفضل، ۱۳۸۵، ص ۶۸). فارغ از تمام موانع سازمانی، امنیتی و تجهیزاتی یکی از موانع عمده در مسیر تاریخ شفاهی کشور را باید در این واقعیت جست که به علت نبودن شیوه نامه و برنامه پژوهشی بسیاری از طرح‌های معطل می‌مانند و بسیاری از سازمان‌ها نمی‌دانند که با شفاهیات یا داده‌های شفاهی که جمع‌آوری کرده‌اند باید چه بکنند. در واقع کاربست عبارت «تاریخ شفاهی

ناآگاهانه»، چنان که ابوالفضل حسن آبادی به کار برده، برای این وضعیت بسیار گویاتر است تا برای نوع استفاده ای که مورخان قرون گذشته از داده های شفاهی انجام می دادند، چرا آنها در «عصر تاریخ شفاهی» زندگی نمی کردند.

نتیجه گیری

بشر برای قرن ها از پیام شفاهی به عنوان مبنای تاریخ نگاری استفاده می کرد و در کاربست آن نیز قایل به فنون یا معیارهای خاصی نبود. امری که شاید مهمتر دلیل آن را بتوان محدودیت نوشتار و در کار نبودن چاپ دانست. در واقع با نبود هیچ رسانه ای در قد و فواره شفاهیات، طبیعی بود که پیچیدگی و ظرافت های شفاهیات هم در بی توجهی بقای بماند. با گشایش های اجتماعی، شناختی، فنی و حاکمیتی حاصل از دوره رنسانس تاریخ نگاری سعی کرد از فضای ادبیات جدا شود و چارچوب پیدا کرده و تجربی شود. این مقدمه ای بود که در قرن نوزدهم به انقلاب تاریخ نگاری راه داد. از اواسط قرن هجدهم تا آغاز قرن بیستم استفاده از شفاهیات به عنوان داده شفاهی در کار تاریخ نگاری جدی گرفته شد اما مورد اختلاف باقی ماند، برخی ارجاع به «داده شفاهی» را پذیرفتند و برخی خیر. با آغاز قرن بیستم و گشایش های اجتماعی، حاکمیتی، شناختی و فنی مراجعه به مردم و دریافت و ثبت حافظه آنها را تا حد طرح های دولتی ارتقا یافتند. این تحول جدید ابتدا برای مردم شناسان و قوم شناسان ایجاد فرصت کرد. با وقوع جنگ دوم جهانی و این بار گشایش های فنی، شناختی، اجتماعی، حاکمیتی دیگر نوبت مورخان رسید که بعد از سده ها دوباره شفاهیات را این بار با کمک دستگاه های ضبط صدا در قالب «تاریخ شفاهی» دریابند و به کار گیرند. امروزه به لحاظ اهمیت پیام شفاهی در تاریخ نگاری ما دقیقاً در عصر «تاریخ شفاهی» قرار داریم چرا که موسسات پر شمار، گروه های دانشگاهی فراوان و مباحث هستی شناختی و شناخت شناختی پر دامنه ای در ارتباط با تاریخ شفاهی در وجود آمده اند که به کلی در تاریخ بشر بی سابقه اند.

منابع

۱. کتاب ها
۲. برک، پیتر (۱۳۹۳). انقلاب تاریخی فرانسه، ترجمه محمد جواد عبداللهی، تهران: علم.

۳. برودل، فرنان (۱۳۷۲). سرمایه‌داری و حیات مادی، ترجمه بهزاد باشی، تهران: نی.
۴. بورکهارت، یاکوب (۱۳۷۸)، فرهنگ رنسانس در ایتالیا، ترجمه حسن لطفی، تهران: طرح نو.
۵. توکلی، فائزه (۱۳۹۶)، تاریخ شفاهی مبانی نظری، روش شناسی، تهران: انتشارات سوره مهر.
۶. حسن آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۵)، تاریخ شفاهی در ایران، مشهد: آستان قدس.
۷. نورایی، مرتضی و ابوالحسنی ترقی، مهدی (۱۳۹۴)، تاریخ شفاهی و جایگاه آن در تاریخ نگاری معاصر ایران، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
۸. مقالات
۹. آذری خاکستر، غلامرضا (۱۳۹۱)، «مسائل اساسی در تاریخ شفاهی ایران»، ماهنامه صدای جمهوری اسلامی ایران، سال دهم، شماره ۶۳، صص ۶۶-۷۱.
۱۰. حسن آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۶)، تاریخ شفاهی و تاریخ نگاری در متون تاریخی (با تکیه بر کتاب تاریخ بیهقی)، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره اسفند، صص ۸-۱۶.
۱۱. شارون تاپینگ (۱۳۹۵)، «تاریخ شفاهی به عنوان ابزاری کلاسی: یادگیری نظریه مدیریت در بررسی سیر توسعه سازمان»، ترجمه هوشنگ خسرویگی، دوفصلنامه تاریخ شفاهی، سال دوم، شماره دوم، پاییز و زمستان.
۱۲. لومیس، ترور (۱۳۸۵)، «تاریخ شفاهی»، ترجمه کامران عاروان، نامه تاریخ پژوهان، سال دوم، شماره ۶، صص ۷۸-۸۴.
۱۳. ملایی توانی، علیرضا (۱۳۸۹)، «چشم اندازهایی نو در تاریخ شفاهی ایران با تاکید بر تاریخ نگاری شفاهی»، تاریخ نگری و تاریخ نگاری، سال بیستم، شماره ۵، پیاپی ۸۴، بهار و تابستان، صص ۱۲۹-۱۵۵.
۱۴. نیک نفس، شفیقه (۱۳۸۳)، «درباره تاریخ شفاهی»، گنجینه اسناد، شماره ۵۵، صص ۳-۸.